

۳شنبه ۱۴۰۵/۱/۴ - ۴ شوال ۱۴۴۷ - ۲۴ مارس ۲۰۲۶ - درس ۱۱۴ فقه روابط سازمانی انسانی از فقه مدیریت رفتار سازمانی از فقه انگیزش از فقه اداره از فقه معاصر - روابط اربعه - رابطه سوم - رابطه با خلق سازمانی - اصول سبعة - اصل ششم - نصح ۷ - فقه الحدیث ۵

❖ مسئله‌ی ۱۱۴: مدیران، کارگزاران و کارفرمایان باید در مقام استخدام کارکنان و دست‌مزدبگیران رعایت نصیحت و خیرخواهی را داشته باشند، یعنی کار و بار بیش از توان و طاقت بر دوش آنان قرار ندهند تا اجاره و استخدام نیرو به گونه‌ی مشروع سامان یابد

در ادامه‌ی تفقه و افتاء باب نصیحت در فقه الحدیث به صحیح‌هی ابن سنان می‌رسیم که به شرح ذیل است:

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ سِنَانٍ: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْإِجَارَةِ؟ فَقَالَ: صَالِحٌ، لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا نَصَحَ قَدْرَ طَاقَتِهِ؛ قَدْ آجَرَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَفْسَهُ وَ اشْتَرَطَ، فَقَالَ: إِنَّ شِئْتُ ثَمَانِي؛ وَ إِن شِئْتُ عَشْرًا، فَأَنْزَلَ اللَّهُ ﷻ فِيهِ: «أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ»<sup>۱</sup>.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْإِجَارَةِ فَقَالَ صَالِحٌ لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا نَصَحَ قَدْرَ طَاقَتِهِ فَقَدْ آجَرَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَفْسَهُ وَ اشْتَرَطَ فَقَالَ إِنَّ شِئْتُ ثَمَانِي وَ إِن شِئْتُ عَشْرًا.<sup>۲</sup>

این حدیث صحیح‌السند است و البته در راس سند دارای تعلیق است، یعنی افتادگی بعضی سند. ولی با توجه به دأب صاحب وسائل در بعضی اختصارات، این تعلیق خدشه به صحت وارد نمی‌کند و دارای تذیل است در ذیل متن که هر دو مضر به صحت خبر و اعتبار آن نیستند و با نسخه‌های کافی و تهذیب و استبصار جبران می‌شود، فراجع. تذیل فَقَدْ آجَرَ مُوسَى نَفْسَهُ وَ اشْتَرَطَ فَقَالَ إِنَّ شِئْتُ ثَمَانِي وَ إِن شِئْتُ عَشْرًا برای تکمیل متن برای فهم بهتر مخاطب است که شرط بلاغت است، و الا بدون ذیل هم مراد امام عَلَيْهِ السَّلَامُ معلوم است.

وجه استدلال: نوعی از نصیحت رعایت طاقت مستخدم در عقد اجاره است و الا جایز نیست. آنچه از این صحیح‌هی ابن سنان ظاهر می‌شود اصل کراهت اجاره‌ی نفس است. اجیر شدن فرد برای ارائه‌ی کار در قبال اجرت است، سپس از این اصل خارج می‌شود یک سری اجارات نفس، مثل اجاره‌ی موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ خودش را به حضرت شعیب عَلَيْهِ السَّلَامُ در قبال دستمزد معین. فلسفه‌ی این اصل حریت انسان است و کرامت او که نباید نقض شود. اصل بر ارتزاق است که فلسفه‌ی آن این است که بیت المال باید همه را ارتزاق کند، به‌ویژه نخبگان عرصه‌ی علم، جهاد، امامت، تبلیغ دین و... را. ارتزاق در مقابل خدمت و بذل علم و مهارت نیست، بلکه تأمین معیشت کامل

<sup>۱</sup> طوسی، التهذیب، ج. ۶، ص. ۳۵۳؛ ابن بابویه، الاستبصار، ج. ۳، ص. ۵۵، معلقاً عن أحمد بن محمد، عن أبيه، عن ابن سنان. ابن بابویه، الفقيه، ج. ۳، ص. ۱۷۳، معلقاً عن محمد بن خالد البرقي، عن محمد بن سنان، فيض كاشاني، الوافي، ج. ۱۷، ص. ۱۴۷، حر عاملی، الوسائل، ج. ۱۷، ص. ۲۳۸.

<sup>۲</sup> کلینی، کافی (ط دار الحدیث)، ج. ۹، ص. ۵۷۱.

<sup>۳</sup> عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْإِجَارَةِ فَقَالَ صَالِحٌ لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا نَصَحَ قَدْرَ طَاقَتِهِ قَدْ آجَرَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَفْسَهُ وَ اشْتَرَطَ فَقَالَ إِنَّ شِئْتُ ثَمَانِي وَ إِن شِئْتُ عَشْرًا... (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج. ۱۷، ص. ۲۳۸؛ کلینی، الکافی (ط الإسلامية)، ج. ۵، ص. ۹۰) عَنْهُ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْإِجَارَةِ فَقَالَ صَالِحٌ لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا نَصَحَ قَدْرَ طَاقَتِهِ قَدْ آجَرَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَفْسَهُ وَ اشْتَرَطَ فَقَالَ إِنَّ شِئْتُ ثَمَانًا وَ إِن شِئْتُ عَشْرًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ عَلِيٌّ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا... (طوسی، تهذیب الأحكام، ص. ۶، ص. ۳۵۴) قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ لَا تَنَابِي بَيْنَ الْحَبْرَيْنِ لِأَنَّ الْحَبْرَ الْأَوَّلَ مَحْمُولٌ عَلَى ضَرْبٍ مِنَ الْكِرَاهِيَةِ دُونَ الْحُظْرِ وَ الْوَجْهُ فِي كِرَاهِيَةِ ذَلِكَ أَنَّهُ لَا يَأْمَنُ أَنْ لَا يَنْصَحَهُ فِي عَمَلِهِ فَيَكُونُ مَأْثُومًا وَ قَدْ نَبَّهَ عَلَى ذَلِكَ فِي الْحَبْرِ الثَّانِي مِنْ قَوْلِهِ لَا بَأْسَ إِذَا نَصَحَ قَدْرَ طَاقَتِهِ. (طوسی، تهذیب الأحكام، ج. ۶، ص. ۳۵۴)

است از حساب بیت‌المال تا مرزوق با فراغ بال به طبابت، تعلیم، تبلیغ و جهاد همت کند، بدون توقع مابه‌ازاء که ما در جای خود در فقه الرواتب به تفصیل به آن پرداخته‌ایم. در این صحیحه، امام علیه السلام؛ اجاره‌ی مشروط به نصح را مجاز شمرده و از فهرست اجاره‌ی ممنوعه خارج شده است. مراد از نصیحت در اجاره چیست؟ به این معناست که خیرخواهی اجیر را مستأجر داشته باشد. یک مصداق نصح در اجاره این است که بار بر دوش اجیر و کار خواسته از او به اندازه‌ی طاقت باشد، لاطلاق قوله تعالی: «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلْوَسَهَا»، «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ» و «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِيْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا».<sup>۴</sup> این آیات ظهور دارند در این که تکلیف مالا یطاق نباید بر دوش مکلفی نهاده شود. این قانون ربوبی و قاعده‌ی ربانی است که توسط مدیران مربوط نیز باید مراعات شود، زیرا مدیران نیز تربیب می‌کنند؛ یعنی تدبیر امور می‌کنند. بر اساس این قاعده است که هیچ کارفرما و مستأجری نباید کار و بار فوق طاقت بر شانه‌ی اجراء بنهد، پس اجاره مشروط به نصیحت مباح و مجاز است، یعنی لا بأس به و مراد از نصح در اجاره این است که فوق طاقت نباشد. امام علیه السلام یک مصداق از این اجاره‌ی ناصحانه را اجاره‌ی منعقدہ بین دو پیامبر معرفی می‌کند، یکی اولوالعزم مانند موسی علیه السلام و دیگری غیر اولوالعزم چون شعیب علیه السلام. و جالب است که غیر اولوالعزم مستأجر و اولوالعزم اجیر است که در سوره‌ی مبارکه‌ی قصص به آن اشاره شده است، لقوله تعالی حکایة عن شعیب علیه السلام: «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَ إِخْدَى ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَّ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ» و موسی علیه السلام در مقام قبول عقد اجاره می‌گوید: «أَيُّمَا الْأَجْلَيْنِ قَضَيْتَ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ».<sup>۵</sup> این معاهده‌ی قاعده‌مند ظاهر است در این که شعیب علیه السلام مستأجر دو سال کار را از دوش موسی علیه السلام که در نقش اجیر است برمی‌دارد تا مراعات کرده باشد قاعده‌ی نصح در اجاره را و مستأجری ناصح باشد که خیرخواهانه بار و کار فوق طاقت بر دوش این اجیر جوان هیجده‌ساله نگذارد. البته هشت سال کار را مهریه‌ی دخترش قرار می‌دهد تا داماد به سختی نیفتد. بار ده ساله را به هشت‌ساله تقلیل داد که خود داستان خود را دارد و باید در محل خود پرداخته شود که آیا کار تدریجی و نجومی می‌تواند مهریه واقع شود یا نه؟ لذا به شکل جذابی قاعده‌ی مذکوره در صحیحه در قالب وحیانی اسوه شد.

فتحصل که مدیران و کارگزاران و کارفرمایان باید در مقام استخدام کارکنان و دست‌مزدبگیران رعایت نصیحت و خیرخواهی را داشته باشند، یعنی بیش از توان و طاقت کار و بار بر دوش آنان قرار ندهند تا اجاره و استخدام نیرو به گونه‌ی مشروع سامان یابد.<sup>۶</sup>

<sup>۴</sup> امام کاظم علیه السلام.

<sup>۵</sup> لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلْوَسًا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِيْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. (البقرة: ۲۸۶)

<sup>۶</sup> قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَ إِخْدَى ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَّ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَبِّحْنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ. (القصص: ۲۷) قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيُّمَا الْأَجْلَيْنِ قَضَيْتَ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ. (القصص: ۲۸)

<sup>۷</sup> درس ۱۱۴ فقه الروابط از سلسله‌ی فقه‌الاداره، ۴ شهر شوال ۱۴۴۷.